

موضوع: پیامدهای خارجی بحران پاکستان

به مقام محترم وزارت امور خارجه!
قابل توجه مدیریت محترم دوم سیاسی

تحولات اخیر در پاکستان و نوعی از سردی که در روابط این کشور با ایالات متحده به چشم می آید، توجه صاحب نظران در جهان عرب را به خود جلب کرده و پرسشهایی را مطرح کرده است که آیا شرایط بسان گذشته دوام خواهد کرد و یا اینکه این منطقه وارد پیچیدگیهای بیشتری خواهد شد و مرحله جدیدی از ائتلافهای منطقه ای و فرامنطقه ای با آمادگیهای تازه ای برای مواجهه قدرتها در مقابل هم در پیش خواهد بود. جمیل مطر، نویسنده و یکی از تحلیلگران سیاسی مصر در شماره مورخ 30 می 2011 روزنامه عربی زبان الحیاه، مقاله ای را نگاشته است تحت عنوان: "پیامدهای خارجی بحران پاکستان" که بنا به اهمیت نکات مطرح شده در آن، ترجمه اش تقدیم می گردد:

یوسف رضا گیلانی، صدر اعظم پاکستان با بسته ای از قرارداد و وعده فروش اسلحه گرانبها و پرکاربرد از چین برگشت. اعلان گردید که او با چین به توافق رسیده است که پنجاه طیاره جنگی و شش زیردریایی و چندین کشتی را وارد نماید، و شاید با آنان در مورد پیشرفته تر ساختن برنامه موشکی نیز به توافق رسیده باشد. به نظر می رسد که او از طرف مسئولین نظامی چین آمادگی بیشتری برای ایجاد پایگاه دریایی چین در بندر گوآدار، دریافت کرده است. مشهور است که حکومت بیجینگ در پس اعمار و آماده سازی آن بوده است تا ناوها و کشتی های بزرگ در آن لنگر انداخته بتوانند، و این بخشی از سلسله بندرهایی است که در سریلانکا، برمه و بنگلادیش بر اساس قرارداد مشهور به لؤلؤ انجام شده است.

پاکستان شرکتی از سنگاپور را مکلف به اداره بندر کرده است که شرکتهای چینی نیز در ملکیت آن شریک می باشند. گفته می شود که صدر اعظم پاکستان از حکومت بیجینگ در این دیدار خواسته است که چین اداره بندر و ایجاد پایگاه دریایی را در نزدیکی آن بعهده بگیرد.

این قراردادها محصول همین لحظه نیست، هرچند این دیدار در سایه حالت ناگواری رخ داده است که در اثر حمله نیروهای ویژه امریکایی بر خانه محل سکونت

اسامه بن لادن، بر بخشهای مختلف مردم پاکستان سایه انداخته است. درست است که حمله امریکا در رسیدن به هدفش در قتل اسامه بن لادن موفق بود، اما احساس توهین عمیقی را در میان مردم پاکستان برجای نهاد. مردم پاکستان خشم شدیدشان را بر اردوی این کشور که بدون آگاهی اش و در حقیقت در یکی از مراکز این حمله انجام شد، پنهان نکردند، چون قریه ای که ترور بن لادن در آن صورت گرفت در حقیقت یکی از مناطق حاشیه پایتخت شمرده می شود که مخصوص رهائش افسران بلندرتبه و خانواده های ایشان است.

در کنار پیامدهایی که حمله امریکا به دنبال داشت، تحولات دیگری نیز به حرکت پاکستان به طرف چین سرعت بخشید تا گامها و بلکه خیزهایی در جهت تحکیم روابط با آن کشور بردارد، بعنوان نمونه:

اولا: هیچ شکی باقی نمانده و بلکه یقین است که ایالات متحده و کشورهای هم پیمانش در جنگ افغانستان آمادگی رفتن از این کشور را می گیرند، و عملا گفتگوهای جدی با تحریک طالبان آغاز شده است تا به شرایطی دست یابند که برای نیروهای این کشورها امکان ترک افغانستان با کمترین خسارتهای ممکن وجود داشته باشد. محض این تفکر در نزدیک شدن تحقق این احتمال کافی است که نگرانیهایی را در دوائر سیاست ساز در اسلام آباد به دنبال داشته باشد، بخصوص در دوائر نظامی و استخباراتی، به لحاظ اینکه این عقب نشینی متضمن چند سناریو است که از نظر این دوائر مطلوب دانسته نمی شود، مثلا:

1- عقب نشینی در سایه یک نوع تسویه مسالمت آمیز که در آن شکست و پیروزی مطرح نباشد، به این معنی که حکومتی در افغانستان برپا شود که تمایلش به هند بیشتر از تمایلش به چین باشد. آنچه بر مطالعه کنندگان تاریخ سیاسی افغانستان پنهان نیست این است که افغانستان و پاکستان به دوستی متقابل در طول تاریخ ضرورت داشته اند، و پاکستانیها شاهد افزایش کمکهای هند به حکومت کابل در ماه های اخیر هستند.

2- عقب نشینی یعنی قبول این احتمال که قبائل پشتون و بلوچ به عملیات نظامی جدایی طلبانه خود بر ضد حکومت مرکزی در اسلام آباد برگردند. این مشهور است که پاکستان از زمان استقلالش شاهد ثبات سیاسی طولانی مدت نبوده و در معرض

شورشهای جدایی طلبانه متعددی قرار گرفته است که مهمترینش جدایی پاکستان شرقی و اعلان استقلال آن بنام بنگلادش بوده است. عملیات دیگری هم در ایالتهای پشتون نشین و بلوچ نشین جریان دارد. اگر پشتونها در پاکستان یک اقلیت هستند در افغانستان اکثریت می باشند و مانند ملت های دیگر تجربه دوران استعمار را از سر گذرانده اند، و پاکستانیها نمی توانند بریتانیاییها را ببخشند که مرزهای سیاسی افغانستان بخصوص خط دیورند را به گونه ای ترسیم کردند که پشتونها را به دو قسمت تقسیم کرد، نیمی را در افغانستان و نیمی دیگر را در پاکستان.

-3

تسلیم قدرت در کابل به شکل مشترک میان حکومت کرزی و تحریک طالبان به معنای شکست نظامی پاکستان خواهد بود که در تثبیت جای پای خود در افغانستان در خلال جنگ ناکام بوده است. خطرناک بودن مسئله از اینجا ناشی می شود که اردوی پاکستان نمی تواند لطمه جدیدی را به آوازه خود تحمل کند و این امر باعث می شود که طبق عادت دیرینه اش هرگاه نام و آوازه اش به خطر بیفتد حکومت را در اسلام آباد به دست بگیرد. این عقده از آغاز استقلال با آن بوده و بدبختیهای را برای پاکستان ببار آورده است، و این همان حلقه میان تھی است که سیاست پاکستان نتوانسته است از آن نجات پیدا کند، حلقه عدم اعتماد به نفس و رفتن به طرف بدست گرفتن حاکمیت و بعد بزرگ کردن خطر هند و کودتای نظامی و سپس ناکامی در حاکمیت و بدعا بازگشت مجدد به عدم اعتماد به نفس.

ثانیا: پنهان نیست که ایالات متحده پس از پایان جنگ سرد کوشش سیاسی و اقتصادی زیادی به خرج داده است که هند را به خود نزدیک سازد، تا حدی که آماده شده است گاهی بخشی از روابط عمیق خود با پاکستان را بخاطر روابط قویتر با هند به خطر بیندازد. پاکستان از یاد نمی برد که ایالات متحده بر کشورهای پیمان جنوب شرق آسیا فشار می آورد که پاکستان را از عضویت خود دور کنند تا هند راضی شود، و به هند وعده می دهد که هند رهبری این پیمان را در مواجهه ای که میان اعضای

این پیمان و کشور چین از نظر امریکائیها رخ خواهد داد، به دست داشته باشد.

ثالثاً: نخبگان سیاسی پاکستان ستاره بخت کشورشان را در کشورهای خلیج و ایران در حال افول می بینند. پاکستان دیگر یک ذخیره احتیاطی نیست که توازن قوا در منطقه خلیج را حفظ کند، آنهم زمانی که دولتهای آتلانتیک از افغانستان خارج شوند و حضور نظامی خود را در اقیانوس هند به دلیل بحرانهای اقتصادی و مالی رو به رشد، کاهش ببخشند.

براهما شیلاری، استاد مطالعات استراتژیک در مرکز مطالعات سیاسی دهلی نو، می گوید که مرحله پیش رو شاهد اوج گرفتن مسابقه تسلیحاتی در جنوب آسیا خواهد بود. هند که اکنون با تمام جدیت و دقت مراقب رشد روابط چین-پاکستان است، به انتظار شکل گیری ائتلاف میان دو نیروی اتمی در مرزهایش آرام نمی نشیند، یا اینکه بخواهد منتظر ایجاد سلسله ای از پایگاه های دریایی چین در طول سواحل جنوب شرقی آسیا باشد، و یا هم شبکه ای دیگر از پایپهای نفتی به وجود بیاید که نفت را مستقیماً از دریای عرب به پاکستان و از آنجا به شمال غرب چین منتقل کند و از دریایی که کشتی رانی در آن زیر تسلط هند است خود را دور نگه دارد.

شرایط کنونی نوید تشنج کمتری را در جنوب آسیا نمی دهد، و هردو دولت بزرگ هند و پاکستان شرایط سختی را می گذرانند که تشنجهای اجتماعی داخلی بر آن غلبه دارد، و پاکستان به دلایل زیادی، در وضعیت حساس تری قرار دارد که مهمترین گسترش مظاهر هرج و مرج سیاسی و سیطره شدید تندروی بر مردم عام پاکستان است، و این به اضافه مشکلات ناشی از سستی روابط امریکا-پاکستان. از طرف دیگر غموض و ابهام عامل سرنوشت ساز در آینده های دورتر یعنی نقش چین در این منطقه بعد از خروج نیروهای آتلانتیک، همچنان در حال افزایش است.

.....

ترجمه مقاله فوق جهت اطلاع خدمت تقدیم است.

با احترام

دکتور خالدین ضیایی
ریس اندیشکده گفتمان تعلیمی

کاپی به : مدیریت محترم اول سیاسی